

بررسی تحلیلی کتاب‌های تطبیقی تخریح در اهل سنت

عباس محمودی (مدرس و پژوهشگر مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم)

abbasmahmoodi1358@yahoo.com

عبدالهادی مسعودی (استادیار دانشگاه قرآن و حدیث)

h.masoudy@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۷)

چکیده

تخریح، قالب و ابزاری برای اعتبارسنجی حدیث است که با منبع، سند، متن، موضوع و محتوا مرتبط است. لزوم شناخت کتاب‌های تخریح برای پژوهش‌گران این عرصه و نبود تحقیقی جامع در این راستا، ضرورت این پژوهش است. هدف این تحقیق، شناسایی کتاب‌های تطبیقی تخریح در اهل سنت است. مواد پژوهش، مقدمه، فهرست، متن کتاب‌ها و همچنین دیدگاه‌های دانشمندان علوم حدیث درباره این منابع است. ضمن این پژوهش، انواع، طرق، فایده و اقسام تخریح، مشخص می‌شود. تاکنون پژوهشی مستقل در بررسی تحلیلی و مقایسه گونه‌های مختلف کتاب‌های تخریح به صورت جامع انجام نشده؛ بنا بر این تحقیق حاضر، هم از جنبه جامع بودن و هم از جهت ساختاری، کاری نو در این زمینه محسوب می‌شود. منابع دانش تخریح به دو دسته تقسیم می‌شوند: کتاب‌های تطبیقی و نظری. این مقاله به بررسی تحلیلی مهم‌ترین منابع تطبیقی تخریح در اهل سنت پرداخته که در سه بخش کتاب‌های جامع، فقهی و تفسیری تنظیم شده است.

کلید واژه‌ها: کتاب‌های فقهی تخریح، کتاب‌های تفسیری تخریح، منابع تخریح، دانش تخریح، اعتبارسنجی حدیث.

مقدمه

حدیث، مهم‌ترین منبع استنباط احکام اسلام، پس از قرآن است. یکی از مهم‌ترین ابزار سنجش اعتبار حدیث که با منبع، سند، متن، موضوع و محتوا ارتباط دارد، دانش «تخریج» است. با تخریج یک حدیث، می‌توان به منابع متعدد، متن‌ها، طرق و نمایه‌های موضوعی آن دست یافت. اهمیت و جایگاه تخریج در اعتبارسنجی احادیث از یک طرف و مغفول ماندن این دانش در میان دانش‌های حدیثی از طرف دیگر منجر به ترسیم کلان پروژه‌ای در معرفی و تبیین این دانش گردید. یکی از مراحل این پروژه، معرفی منابع دانش تخریج است.^۱

تاکنون کتاب‌های فراوانی جهت مأخذیابی احادیث، نگاشته شده که به کتاب‌های تخریج معروف شده‌اند (الغماری، ۱۴۱۴: ۲۶). این تحقیق با هدف دادن اطلاعاتی جامع به مخاطبان، در جهت شناسایی مهم‌ترین کتاب‌های تخریج بر اساس اهمیت کتاب، شهرت و جایگاه علمی نویسنده، یا داشتن روش خاص تخریجی تلاش می‌کند.

مواد پژوهش: مقدمه، فهرست، متن کتاب‌ها و گفته‌های عالمان این فن است. این مقاله، علاوه بر شناخت کتاب‌های تخریج، در رابطه با شیوه‌های تخریج حدیث، اهمیت، فواید و اقسام تخریج، آگاهی‌هایی ارائه می‌کند.

گرچه برخی کتاب‌های اصول و قواعد تخریج، بخش یا فصلی را به معرفی اجمالی تعداد اندکی از کتاب‌های تخریج اختصاص داده‌اند، اما، مقاله یا کتاب مستقلی که به شناسایی و معرفی منابع این دانش بپردازد، یافت نشد. کتاب‌های تالیف شده در دانش تخریج، به دو دسته تقسیم می‌شوند: نظری و تطبیقی. پژوهش حاضر به معرفی کتاب‌های تطبیقی تخریج پرداخته که در سه بخش تنظیم شده است: کتاب‌های جامع، فقهی، و تفسیری.

۱. کتاب‌های جامع

برخی نویسندگان، به تخریج احادیث جوامع حدیثی اهل سنت پرداخته‌اند. از آنجا که جوامع حدیثی به موضوع خاصی اختصاص نیافته و همه گونه‌های حدیثی (فقهی، تفسیری، اخلاقی و...) در آن یافت می‌شود، کتاب‌هایی را که به تخریج آن‌ها پرداخته‌اند هم می‌توان کتاب‌های تخریج جامع نام نهاد. در این بخش مهم‌ترین کتاب‌های جامع، بر اساس تاریخ وفات مولف، تنظیم شده است.

۱-۱. تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف

مؤلف این کتاب، حافظ جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف بن عبدالرحمن المزیّ الدمشقی (ف ۷۴۲ق) است. کتاب حاضر، احادیث کتب سته^۲ و برخی ملحقات^۳ آن‌ها را به شیوه و روش اطراف در خود جمع کرده است؛ به گونه‌ای که برای مخاطب، شناخت سندهای مختلف یک روایت را آسان می‌کند. زیرا تمام آن‌ها یک جا جمع شده است. مؤلف، جهت اختصار برای هر کتاب رمزی قرار داده است. این کتاب اولین بار در سال ۱۳۸۴ق با تحقیق عبدالصمد شرف‌الدین در ۱۴ جلد در بمبئی به چاپ رسیده است.

۱-۱-۱. ویژگی‌های کتاب

۱- کتاب حاضر، بر اساس اسامی صحابه و به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. مؤلف، روایات ۹۰۵ صحابی و ۴۰۰ تابعی را ذیل عنوان‌های آن‌ها آورده است. اشکال این روش، تکرار احادیث است زیرا گاهی یک حدیث از طریق چند صحابی روایت شده است. همین امر، تعداد روایات کتاب را به ۱۹/۵۹۵ حدیث رسانده است.

۲- ذیل ترجمه هر صحابی یا تابعی، حدیثی که در کتاب‌های بیشتری آمده را مقدم کرده است برای نمونه اگر یک حدیث در شش کتاب و حدیث دیگری در پنج کتاب باشد، حدیثی که در شش کتاب آمده مقدم می‌شود. علاوه بر آن، اسناد هر حدیث هم بر اساس اهمیت کتاب‌ها مرتب شده. یعنی ابتدا بخاری، سپس مسلم و... آورده و در نهایت به ابن ماجه منتهی می‌شود (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۷۵؛ احمد بکار، بی‌تا: ۱۰۲). این شیوه، اعتبار هر کدام از منابع اهل سنت نزد مؤلف را نشان می‌دهد اما نقص آن، تکرار فراوان روایات است.

۳- در شیوه بیان احادیث، ابتدا نام کتاب‌هایی که این حدیث را تخریج کرده‌اند با رمز بیان می‌کند، آن‌گاه پس از نوشتن لفظ «حدیث»، بخشی از اول متن حدیث را می‌آورد و با کلمه «الحدیث»، از بیان ادامه روایت خودداری می‌کند. سپس، اسانید حدیث را تا صحابی یا تابعی که حدیث در مسند او ذکر شده، بیان می‌کند. برای نمونه در حرف «الف»، ذیل مسند ابیض بن حمال الحمیری الماری می‌گوید: «عن النبی ص - د ت س ق حدیث: انه وفد الی النبی ص فاستقطعه الملح الذی بمارب» الحدیث. یعنی این حدیث در مسند ابی‌داود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه آمده است. آن‌گاه سند حدیث را در هر کتاب به طور کامل بیان می‌کند (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۷۶).

در جمع‌بندی باید کتاب مزی را در زمره کتاب‌هایی که به تخریج سند و منبع پرداخته‌اند به شمار آورد، نه کتاب‌هایی که فقط به تخریج متن پرداخته‌اند. نکته دیگر این که، گرچه این کتاب، به دلیل جمع‌آوری اسناد هر روایت در یک جا، جامع‌ترین اطلاعات درباره اسناد روایات را به مخاطبان می‌دهد، اما به دلیل ترتیب آن بر اساس نام صحابیان، دارای تکرارهای زیادی است. اشکال دیگر کتاب، ذکر نکردن تمام حدیث است لذا برای شناخت متن کامل آن، باید به کتاب‌هایی که تحفة الاشراف آدرس داده رجوع کرد و اشکال نهایی این که، امکان استفاده از این کتاب برای کسی که صحابی راوی حدیث را نشانسد، وجود ندارد (احمد بکار، بی‌تا: ۱۰۸؛ ابومحمد عبدالمهدی، بی‌تا: ۱۲۱).

۱-۲. اتحاف المَهْرَة بالفوائد المبتکرة من اطراف العشرة

اتحاف المَهْرَة، تالیف حافظ شهاب الدین ابی الفضل احمد بن علی بن محمد بن حجر العسقلانی (ف ۸۵۲ق) است. این اثر، به روش کتاب‌های اطراف نگارش یافته که در آن اطراف احادیث ۱۰ کتاب سنن دارمی، صحیح ابن خزیمه، المنتقی ابن الجارود، مستخرج ابی عوانه، صحیح ابن حبان، المستدرک حاکم، موطن مالک، مسند شافعی، مسند احمد، شرح معانی الآثار طحاوی و سنن الدار قطنی^۴ گردآوری شده است.

۱-۲-۱. ویژگی‌های کتاب

۱ - احادیث کتاب، بر اساس حروف الفبای نام صحابی یا تابعی مرتب شده است.
 ۲ - مولف، احادیثی در کتاب خود آورده که مولفان آن‌ها مدعی صحت آن‌ها شده‌اند. او در مقدمه کتابش می‌گوید:

در همه کتاب‌های حدیثی که در نزد من بود دقت و تامل کردم، در بین آن‌ها تعدادی از کتاب‌ها را یافتم که مصنفان آن‌ها ملتزم به صحت آن‌ها بوده‌اند. البته در بین آن‌ها برخی مانند حاکم، ملتزم به شروط شیخین (بخاری و مسلم) بوده‌اند و برخی مانند ابن حبان مقید نبوده‌اند. اطراف این کتاب‌ها را بر روش و ترتیب حافظ ابی الحجاج المزی جمع‌آوری کردم (احمد بکار، بی‌تا: ۱۳۱).

۳ - رموز کتاب، بر اساس نام مولفان آن‌ها قرار داده شده است. یعنی برای دارمی (می)، ابن خزیمه (خز)، ابن الجارود (جا)، ابی عوانه (عه)، ابن حبان (حب)، حاکم (کم)، طحاوی (طح)، دار قطنی، (قط) آمده است (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۸۲). برای نمونه:

حدیث (خز حب کم حم) جریر بن حازم، عن ثابت بن اسلم البنانی، عن انس: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنْزِلُ مِنَ الْمَنِيرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَيَكَلِّمُهُ الرَّجُلُ وَيَكَلِّمُهُ، ثُمَّ يَنْتَهِي إِلَى مَصَلَاةٍ فَيُصَلِّي.»

یعنی این حدیث در صحیح ابن خزیمه، صحیح ابن حبان، مستدرک حاکم و مسند احمد آمده است (همان، ۱۴۲۹: ۸۳).

بنا بر این باید گفت سه ویژگی در این کتاب وجود دارد که در دیگر کتابها کمتر دیده می‌شود: ۱. برخلاف بیشتر کتابها، مبنای تخریج احادیث در این کتاب، صحیحین نبوده است؛ ۲. رموز بر اساس نام مولف کتابها انتخاب شده است؛ ج. در غالب موارد عین لفظ صیغه نقل حدیث (مثلا اخبرنا، حدثنا و...) را در سند آورده و این در شناخت موارد تدلیس کمک فراوانی می‌کند در حالی که تحفة الاشراف مزّی، فقط با لفظ «عن» آورده است. این کتاب علاوه بر داشتن اشکالات تحفة الاشراف، ترتیب دقیق آن را ندارد و در برخی موارد، بر خلاف وعده خود، روایتی غیر از کتابهای ده گانه نقل کرده است (ر.ک: احمد بکار، بی‌تا: ۱۳۸).

۱-۳. ذخائر الموارث فی الدلالة علی مواضع الاحادیث

عبدالغنی بن اسماعیل النابلسی الدمشقی الحنفی (ف ۱۱۴۳ ه.ق)، در اثر خود، احادیث کتابهای سته و موطن مالک را آورده است. این کتاب در سال ۱۳۵۲ ق در دو جلد توسط جمعیه النشر و التالیف الازهریه در قاهره به چاپ رسید. عبدالمجید هاشم و محمد رافت سعید، ترتیب فقهی برای این کتاب نگاشته‌اند که در ۱۴۰۸ ق در ۹۶ صفحه توسط دار الشعب قاهره به چاپ رسیده است.

۱-۳-۱. ویژگی‌های کتاب

۱- نام کتابهای شش گانه را با رمز آورده است. (خ) صحیح بخاری، (م) صحیح مسلم، (ت) سنن ترمذی، (د) سنن ابی داود، (س) سنن نسایی، (ه) سنن ابن ماجه و (ط) موطن مالک (ر.ک: همان، ۱۱۱).

۲- ترتیب آن بر اساس مسندهای صحابه، به ترتیب حروف الفبا است. نویسنده، کتاب خود را در هفت باب تنظیم کرده است.

۳- گرچه کتاب ذخائرالموارث، شباهت فراوانی به کتاب تحفة الاشراف المزی دارد اما بر خلاف آن، تمام سند را ذکر نکرده و فقط به ذکر شیخ صاحب کتابی که آن حدیث را ذکر کرده، اکتفا می‌کند. برای نمونه در تحفة الاشراف ذیل نام ابیض بن حمّال الحمیری حدیثی را که ابی داود آورده، این‌گونه می‌آورد:

د: فی الخراج عن قتیبة بن سعید و محمد بن المتوکل العسقلانی، کلاهما عن محمد بن یحیی بن قیس الماری، عن ابيه عن ثمامة بن شراحیل، عن سُمی بن قیس، عن شمیر بن عبدالمَدان، عن ابیض بن حمّال به.
در حالی که همین حدیث در ذخائرالموارث به گونه ذیل آمده است:

«د» فی الخراج عن قتیبه بن سعید و محمد بن المتوکل، و عن محمد بن احمد القرشی.

۴- هنگامی که حدیثی از چند صحابی روایت شده باشد، ذخائرالموارث فقط در یک مسند ذکر می‌کند، در حالی که مزی در تحفة الاشراف آن را در مسند همه اصحابی که روایت کرده‌اند می‌آورد. به همین دلیل، تعداد روایات ذخائرالموارث ۱۲/۳۰۳ حدیث است در حالی که تحفة الاشراف ۱۹/۵۹۵ حدیث دارد (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۸۰).

در نتیجه، از مقایسه ذخائرالموارث با تحفة الاشراف می‌توان فهمید که ملاک مولف ذخائرالموارث، در یکی دانستن احادیث - چنان که خود او هم گفته (الدمشقی الحنفی، ۱۳۵۲: ۴/۱) - اشتراک معنوی است نه اشتراک لفظی؛ زیرا گاهی احادیثی را که لفظ آن‌ها متفاوت است ولی از نظر معنا یکسان هستند، ذیل یک حدیث می‌آورد^۵. علاوه بر آن که موضوع تحفة الاشراف، کتب سته و لواحق آن است اما ذخائر، فقط احادیث کتب سبعة را آورده است (احمد بکار، بی‌تا، ۱۱۱). بنا بر این، همه اشکالات تحفة الاشراف در این کتاب نیز وجود دارد.

۱-۴. مفتاح کنوز السنة

مستشرق هلندی دکتر آرنو جان فینسِنک^۶ (ف ۱۹۳۹م) در طی ۱۰ سال این کتاب را به زبان انگلیسی تالیف کرد. اولین بار در سال ۱۳۵۲ق ترجمه، تصحیح و تحقیق آن به زبان عربی توسط محمد فواد عبدالباقی در مدت چهار سال انجام شد (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۱۰۲).

مؤلف، کتاب خود را فهرستی برای ۱۴ کتاب اصلی و مشهور حدیثی اهل سنت (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن نسائی، موطا مالک،

مسند احمد، سنن دارمی، مسند ابی داود طیالسی، مسند زید بن علی، سیره ابن هشام، مغازی واقدی و طبقات ابن سعد.) قرار داده است (ر.ک: احمد بکار، بی تا: ۱۵۵؛ ابومحمد عبدالمهدی، بی تا: ۱۶۷).

۱-۴-۱. ویژگی‌های کتاب

۱- این کتاب بر اساس موضوعات مرتب شده (نه بر اساس الفاظ) که خود آن موضوعات و مبانی هم بر اساس حروف الفبا تنظیم شده است و ذیل هر موضوع مباحث تفصیلی آن موضوع که در کتاب‌های چهارده‌گانه موجود بوده، آورده است.

۲- می‌توان آن را در زمره کتاب‌هایی که تخریج متنی^۶ انجام داده‌اند، به شمار آورد.

۳- برای هر یک از عناوین: کتاب، باب، جزء، حدیث، صفحه و قسم، رمزی قرار داده شده که در مجموع از ۲۳ رمز استفاده کرده است.

۴- احمد محمد شاکر می‌گوید: «مؤلف، آرای فقهی مالک و دیگران که در موطن است را ذکر نکرده و فقط به ذکر احادیث آن بسنده کرده است. هم‌چنان که سندهای مکرری را که مسلم در صحیح خود برای تقویت حدیث می‌آورد بیان نکرده است» (جان فُنْسُنْک، ۱۴۱۴: مقدمه احمد شاکر، ص، ل).

امتیاز این کتاب، ترتیب موضوعی است که استفاده از آن را آسان کرده است. زیرا برای استفاده از کتاب، شناخت موضوع، کافی بوده و متوقف بر شناخت راوی حدیث یا کلمه‌ای از حدیث نیست. حجم اندک کتاب نیز امتیاز دیگری برای آن است. مفتاح برای شناخت مواضع حدیث و برای پژوهشگرانی که می‌خواهند تمام مطالب پیرامون حدیث را یک جا مطالعه کنند، بسیار سودمند است. زیرا مؤلف، علاوه بر آن که بین سنت، سیره و تراجم جمع کرده است، آدرس دقیق حدیث در هر کتاب را بیان کرده. اما دو اشکال عمده این کتاب عبارت است از: مرتب نشدن کلمات بر اساس اصل و ریشه آن‌ها و وقوع برخی غلط‌های لغوی (ابو محمد عبدالمهدی، بی تا: ۱۷۵).

مقایسه چهار کتاب معرفی شده در این بخش نشان می‌دهد که سه کتاب اول، از لحاظ روش یکسان هستند یعنی بر اساس نام راویان مرتب شده‌اند و به همین دلیل بیشتر اشکالات آن‌ها هم مشترک است. اما مفتاح کنوز السنه با آن‌ها متفاوت است و بر اساس موضوع مرتب

شده است. بنا بر این برخی اشکالات مانند ترتب استفاده از کتاب بر شناخت راوی حدیث، را ندارد. علاوه بر آن نسبت به آن‌ها جامعیت بیشتری دارد.

۲. کتاب‌های فقهی

احادیث فقهی، به این دلیل که منبع صدور احکام شرعی هستند، نزد فقها و محدثان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نسبت به احادیث تفسیری و اخلاقی حساسیت بیشتری دارند. به همین دلیل، بیشتر تخریج نویسان، کتاب‌های خود را به تخریج احادیث فقهی یک کتاب خاص اختصاص داده‌اند. از این رو، در این مقاله هم به کتاب‌های فقهی، بیش از دیگر موضوعات پرداخته می‌شود.

۲-۱. تاسیس النظر

تاسیس النظر از کتاب‌های تخریج فروع بر اصول^۸ است که شاید بتوان آن را از تالیفات ابوزید الدبوسی (۴۳۰ق) محسوب کرد. این اثر شباهت فراوانی به کتاب تاسیس النظائر ابوليث سمرقندی (۳۷۳ق) دارد. تاسیس النظر چاپ‌های متعددی دارد. از جمله چاپ قاهره که در سال (۱۳۲۰ق) انتشار یافته است. بسیاری از کسانی که درباره ابوزید دبوسی تحقیق کرده‌اند، تاسیس النظر را در زمره تالیفات او ذکر نکرده‌اند. اما حاجی خلیفه (۱۰۶۷ق) این کتاب را منسوب به دبوسی دانسته است.

۲-۱-۱. ویژگی‌های کتاب

- ۱- در بر دارنده تعدادی از قواعد و ضوابط فقهی است؛
 - ۲- کیفیت بنای فروع بر اصول را ذکر کرده و اختلاف در جزئیات را به اختلاف در اصول برمی‌گرداند؛
 - ۳- این کتاب، علاوه بر پرداختن به تخریج، یکی از بهترین کتاب‌های فقهی نگاشته شده در آغاز قرن پنجم است؛
- ۴/۱. تاسیس النظر، دارای ۸۶ اصل است که در هشت قسمت تنظیم شده است. پنج قسمت آن به اختلافات علمای حنفی پرداخته و سه قسم دیگر درباره اختلاف علمای حنفی با دیگر مذاهب است؛

۵ - فروع ذکر شده در کتاب، تخریجات مولف یا عالمان هم عصر او نیست بلکه منقول از ائمه حدیث است. پس، تخریج در کتاب یا برای بیان اسباب اختلاف است و یا برای بیان تعلیل احکام نقل شده از ائمه. روش مولف در این کتاب توصیفی است، یعنی پس از ذکر هر اصلی، فروع بنا شده بر آن را بدون هیچ استدلالی بیان می‌کند (الباء حَسین، ۱۴۱۴: ۱۰۶).

بنا بر این، باید تاسیس النظر را از کتاب‌هایی دانست که به روایات فقهی اختصاص دارند. این کتاب، در شناخت اختلاف دیدگاه‌های علمای حنفی با هم و با علمای دیگر فرقه‌ها کاربرد دارد زیرا مولف، بعد از نقل احادیث، اختلاف نظرها را بیان کرده است.

۲-۲. تخریج الفروع علی الاصول

این کتاب توسط شهاب الدین محمود بن احمد زنجانی متوفای (۶۵۶ق) تالیف شده است و ظاهراً برای اولین بار در سال (۱۳۸۲.ه.ق) با تحقیق محمد ادیب صالح در دمشق به چاپ رسیده است. هدف از تالیف این کتاب، بیان منشأ اختلافات بین ائمه بوده است. زیرا مولف، اختلافات را به اصل‌هایی برمی‌گرداند که احکام بر آن بنا شده است. مولف ادعا دارد در این روش کسی بر او سبقت نگرفته است. این کتاب، از جمله کتاب‌های متبحر در این موضوع شناخته شده است.

۲-۲-۱. ویژگی‌های کتاب

- ۱ - ترتیب کتاب براساس باب‌های فقه است؛
 - ۲ - کتاب در ۳۱ موضوع و ۹۵ اصل تنظیم شده و در هر اصل، تعدادی از فروع فقهی که بر اثر اختلاف در آن اصل ایجاد شده، بیان می‌گردد؛
 - ۳ - این کتاب در بر دارنده تمام فروع فقهی نیست بلکه به اصلی‌ترین مسائل اختلافی اکتفا کرده است؛
 - ۴ - عنوان‌های موضوعات کتاب یک‌نواخت نام‌گذاری نشده است. برخی را عنوان کتاب داده؛ مانند کتاب الزکاة و برخی را عنوان مسائل داده است؛ مانند مسائل الاجارة.
 - ۵ - به اصول اختلافی شافعی و حنفی اکتفا کرده است و فقط در دو مورد نظرات مالک را هم بیان کرده است (الباء حَسین، ۱۴۱۴: ۱۲۱).
- بنا بر این، کتاب تخریج الفروع علی الاصول، در شناخت منشأ اختلاف فتوای فقهای شافعی و حنفی سودمند است زیرا مولف این کتاب، اختلافات فقها در فروع را به اختلاف آن‌ها در اصول

برگردانده و منشأ آن را بیان کرده است ولی با وجود این، نمی‌توان این کتاب را کتابی ویژه تخریح فروع بر اصول دانست.

۲-۳. نصب‌الرایة لأحادیث‌الهدایة

این کتاب، در قرن هشتم هجری قمری توسط حافظ جمال‌الدین ابو محمد عبدالله بن یوسف زیلعی حنفی (۷۶۲ق) تالیف شد. این کتاب، تخریح احادیث‌الهدایة نوشته علی بن ابی بکر مرغینانی حنفی (۵۹۳ق) است (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۹۴). نصب‌الرایة، از مشهورترین کتاب‌های تخریح در فقه حنفی است (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۹۴). این کتاب چندین بار چاپ شده است. چاپ اول آن در هند در اوایل قرن چهارده هجری قمری بوده است. این چاپ غلط‌های فراوانی در متن و سند احادیث آن دارد. همچنین تصحیف‌ها و افتادگی‌های فراوان آن، اعتماد به آن را از بین برده است. چاپ دوم این کتاب در قاهره با نظارت و تصحیح مجلس علمی پاکستان در سال ۱۳۵۷ قمری توسط انتشارات دارالمأمون صورت گرفته است که در چهار مجلد تنظیم شده و چاپ بسیار خوبی است (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۹۴؛ زیلعی، ۱۴۱۸: ۱۷/۱). در ۱۴۱۸ قمری نیز مؤسسه الزّیان و دار القبله جدّه با تصحیح و حاشیه عبدالعزیز دیوبندی فنجانی (تا کتاب الحج) و محمد یوسف کاملفوری (تا پایان کتاب) آن را چاپ کرده‌اند (زیلعی، ۱۴۱۸: ۲۱/۱).

۲-۳-۱. ویژگی‌های کتاب

۱- باب‌بندی این کتاب بر مبنای کتاب‌الهدایة صورت گرفته است که به ترتیب ابواب فقهی است. نویسنده در هر باب، نخست نص حدیثی را که ال‌هدایة نقل کرده، آورده است. سپس هر کس از صاحبان کتاب‌های حدیث یا غیر آنها آن را ذکر کرده باشد به همراه بیان طرق و مواضع آن حدیث می‌آورد. آن‌گاه احادیثی را که مؤید حدیث صاحب‌الهدایة است همراه با ذکر نام کسانی که این احادیث را در کتاب‌هایشان ذکر نموده‌اند، آورده و با رمز «احادیث‌الباب» آنها را مشخص نموده است. در مرحله بعد، با عنوان «احادیث‌الخصوص»، روایاتی را که با فقه حنفی اختلاف دارد به همراه نام راویان آنها بیان می‌کند (ر.ک: مرعشلی، ۱۴۲۹: ۹۴؛ الطحان، ۱۹۷۹: ۱۹)؛

۲- در این کتاب به شیوه تخریح مطول^۹ عمل شده است (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۹۴)؛

۳- اقوال پیشوایان جرح و تعدیل را در رجال اسناد حدیث به طور کامل بیان کرده است؛

۴ - صاحبان کتاب‌های تخریج پس از او، به ویژه ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق) در الدراية فی تخریج احادیث الهدایة، التلخیص الحییر فی تخریج احادیث شرح الرافعی الکبیر و دیگر کتاب‌هایش از روش و معلومات او استفاده کرده‌اند (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۹۴). همین ویژگی بیان‌گر میزان تبحر، کثرت اطلاعات در مصادر حدیث و قدرت زیلعی در تخریج حدیث است (الطحان، ۱۹۷۹: ۲۰). چنان‌که کتانی در الرسالة مستطرفة می‌نویسد:

به حقیقت این کتاب، تخریج سودمندی است که شارحان کتاب الهدایة بعد از زیلعی از آن بهره‌مند شده‌اند. به گونه‌ای که حتی ابن حجر نیز در کتاب‌های تخریجش از آن کمک گرفته و همین امر بیان‌گر میزان تبحر زیلعی در فن حدیث، نام‌های رجال و فروع حدیث است (الکتانی، ۱۴۰۶: ۱۸۶/۱).

امتیاز این کتاب، نقل جامع و کامل طرق احادیث و بیان منابع آن‌ها در کتاب‌های اصلی مربوط به سنت پیامبر ﷺ است که مولف با امانت‌داری کامل و بدون تعصب، مناقشات آن‌ها را هم بیان کرده است. اما با وجود این برخی احادیث را تخریج نکرده که ابن قطلوبغا آن را در مستدرکی جمع کرده است. اشکال دیگر این کتاب، استعمال کلمه غریب در غیر اصطلاح اهل حدیث است (احمد بکار، بی‌تا: ۱۹۴).

۲ - ۴. البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی الشرح الکبیر

از سراج الدین عمر بن علی بن أحمد أنصاری معروف به «ابن ملقن» (ف ۸۰۴ق) است. وی در این کتاب به تخریج احادیث کتاب الشرح الکبیر پرداخته است. الشرح الکبیر که فتح العزیز هم نامیده می‌شود، تالیف ابی القاسم عبدالکریم بن محمد الرافعی (ف ۶۲۳ق) است که در فقه شافعی نوشته شده است. این کتاب، شرح کتاب الوجیز ابو حامد محمد بن محمد غزالی (ف ۵۰۵ق) است (مرعشلی، ۱۴۲۹: ۹۷).

۲ - ۴ - ۱. ویژگی‌های کتاب

۱ - ترتیب کتاب البدر المنیر، بر اساس کتاب الشرح الکبیر تنظیم شده است؛ چنان‌که خود مولف هم به این مطلب اذعان کرده است^{۱۰}؛

۲ - اگر حدیثی در صحیحین یا یکی از آن دو وجود داشته باشد به همین دو مأخذ بسنده نموده است و آن را به دیگر صاحبان کتاب‌های سته یا مسانید ارجاع نداده است. زیرا به اعتقاد او

درازگویی بی فایده است. البته در صورتی که آن حدیث یا اثر در صحیحین نسبت به دیگر منابع دارای زیادتى باشد و همچنین نیاز به دانستن آن باشد، آن مأخذ هم ذکر شده است. اما اگر حدیث یا اثر در صحیحین یا یکی از آن دو وجود نداشته باشد، نام همه مأخذ و نویسندگان آنان را آورده است (ابن الملّٰقن، ۱۴۲۵: ۲۸۲)؛

۳- همه احادیث و آثاری که ذیل هر بابی از باب‌های کتاب الشرح الکبیر رافعی آمده است را بیان کرده است. چنان که در هر بابی می‌گوید: «ذکر الرافعی من الأحادیث ... و من الآثار ...»؛

۴- ابتدا احادیث را بر اساس ترتیب رافعی و با ذکر شماره آن‌ها بررسی می‌کند و سپس به بررسی آثار (روایات منقول از صحابه و تابعین) پرداخته است؛

۵- در بررسی حکم احادیث و آثار از نظر صحیح، حسن، ضعیف، و غریب بودن و... ابتدا حکم اجمالی را بیان کرده و سپس با ذکر طرق مختلف به بررسی تفصیلی آن‌ها پرداخته است؛

۶- در بیشتر موارد، تعداد طرق احادیث و آثار را نیز بیان می‌کند. برای نمونه می‌گوید: «هذا الحدیث صحیح یروی من خمس طرق»؛

۷- در نهایت بررسی تفصیلی حکم حدیث را که در آغاز به آن اشاره نموده است، جهت تأکید، دوباره یادآور می‌شود.

۸- بعد از بررسی اسناد، برخی فواید را در زمینه توضیح کلمه‌های غریب روایت و ضبط نام راویانی که نامشان در سند ذکر شده است و خاطر نشان ساختن برخی اشتباهات که از جانب دیگر نویسندگان صورت گرفته است، می‌آورد (البلوخی، ۱۴۲۵: ۶۵).

پس، باید صحیحین را مبنای اولیه ابن ملقن در ارجاع احادیث دانست؛ زیرا اگر حدیثی در یکی از صحیحین باشد برای آن منبع دیگری ذکر نمی‌کند. نکته دیگر این که شاید بتوان ابن ملقن را در زمره کسانی به شمار آورد که در «دراسة الاسانید»^{۱۱} را بخشی از تخریج دانسته‌اند زیرا هر جا تخریج حدیث انجام داده حکم آن حدیث را هم از جهت صحت و ضعف بیان کرده است.

۲- ۵. الدراية فی تخریج احادیث الهدایة

این کتاب، نوشته ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق) است و تلخیص کتاب نصب الرایة زیلعی است.

۲- ۵- ۱. ویژگی‌های کتاب

۱- مولفِ الدرایة کتابی مستقل تالیف نکرده است، بلکه همان تخریج‌های نصب‌الرایة را تلخیص کرده است (الطحان، ۱۹۷۹: ۱۴)؛

۲- ابواب این کتاب بر اساس نصب‌الرایة تنظیم شده و مولف فقط مواردی را حذف کرده است که نیازی به آن نمی‌دانسته (همان)؛

۳- بنا به گفته برخی محققان، تلخیص وی، به خوبی صورت پذیرفته است^{۱۲}؛ زیرا ابن حجر نکات مهمی را از این کتاب حذف نموده است (الطحان، ۱۹۷۹: ۲۵). گرچه او کار خود را بی‌عیب و نقص دانسته و می‌نویسد: «فلخصته تلخیصاً حسناً مبیئاً غیر مخلّ من مقاصد الأصل إلاّ ببعض ما قد یستغنی عنه» (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۱۰/۱)، محمودطحان (۱۹۷۹) می‌گوید: «گرچه این کتاب کار را برای مبتدی آسان می‌کند و در وقت او صرفه‌جویی می‌شود، ولی با وجود اصل، دارای فایده زیادی نیست» (۱۵).

بنا بر این نمی‌توان این کتاب را یک کتاب تخریجی جداگانه از نصب‌الرایة دانست؛ زیرا فقط تخریج‌های نصب‌الرایة را تلخیص کرده و تحقیق بیشتری ارائه نکرده است.

۲- ۶. التلخیص الحبیر فی تخریج أحادیث شرح الوجیز الکبیر

روی جلد برخی چاپ‌ها نام این کتاب التلخیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر آمده است. این کتاب، تلخیص دو کتاب البدر المنیر فی تخریج الاحادیث والاثار الواقعة فی شرح الکبیر از سراج الدین عمر بن علی بن ملقن (۸۰۴ق) و کتاب شرح الکبیر^{۱۳} ابی القاسم عبدالکریم بن محمد رافعی (۶۲۳ق) است که توسط ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق) انجام گرفته است. قبل از ابن حجر عالمان متعددی به تخریج کتاب شرح الکبیر پرداخته‌اند. از جمله: سراج الدین بن ملقن (۸۰۴ق)، عزالدین بن جماعه (۷۶۷ق)، حفیده بدرالدین بن جماعه (۸۱۹ق)، ابوامامه محمد بن عبدالرحمن بن النقاش (۸۴۵ق)، بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی (۷۷۴ق) و بعد از او هم جلال الدین سیوطی (۹۱۱ق) در کتاب نشر العبیر فی تخریج احادیث الشرح الکبیر (الطحان، ۱۹۷۹: ۲۸).

۲- ۶- ۱. ویژگی‌های کتاب

۱- ابن حجر در مقدمه کتاب خود می‌گوید:

از آنجا که در خلاصه یک جلدی سراج الدین که تلخیص کتاب هفت جلدی او است، بسیاری از مقاصد و فواید از بین رفته، تصمیم گرفتیم آن کتاب هفت جلدی را با التزام به تحصیل مقاصد آن در یک سوم حجمش خلاصه کنم و برخی تخریج‌های الهدایه زبلی را هم که در فقه حنفی است به آن اضافه کردم^{۱۵}. لذا این کتاب مصدري مهم در تخریج احادیث احکامی است که فقهای فرقه‌های مختلف به آن استدلال می‌کنند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۹: مقدمه کتاب: ۹):

۲- شیوه و روش این کتاب شبیه کتاب الدرایة فی تخریج احادیث الهدایة است؛

۳- ترتیب احادیث در این کتاب بر اساس ابواب فقه است؛

در نتیجه می‌توان تلخیص الحبیر را یکی از کتاب‌های خلاصه در تخریج دانست که با وجود خلاصه بودن به دلیل نقل آرای مختلف دارای فواید فراوانی است.

۲- ۷. إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل

این کتاب تألیف محمد ناصرالدین البانی (ف ۱۴۲۰ ق) است. وی در این کتاب به تخریج احادیث کتاب منار السبیل نوشته ابراهیم بن محمد بن سالم بن ضویان پرداخته است. منارالسبیل مشتمل بر بیش از سه هزار حدیث فقه حنبلی است.

البانی انگیزه خود را از تألیف این کتاب پنج امر دانسته است (احمد بکار، بی‌تا: ۱۹۷):

۱- منارالسبیل که اصل این کتاب است مهم‌ترین منبع فقهی مذهب حنبلی است و با وجود کم حجم بودن، احادیث زیادی را در بر می‌گیرد که بیشتر آن‌ها به شکل مرفوع به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است؛

۲- وجود نداشتن کتاب چاپی در زمینه تخریج احادیث فقهی مذهب حنبلی چنان که در مذاهب دیگر چنین کتاب‌هایی وجود دارد. مثلاً در فقه حنفی، کتاب نصب الرایة و در فقه شافعی، تلخیص الحبیر وجود دارد؛

۳- کمک به جویندگان دانش فقه بویژه حنبلی مذهب‌ها؛

۴- ارتباط محکمی که بین این کتاب و نظریه نهضت^{۱۶} اسلام وجود دارد؛

۵- این کتاب وسیله‌ای برای مبارزه با قرآنیون است (البانی، ۱۴۰۵: ۷)۱۷.

۲-۷-۱. ویژگی‌های کتاب

۱- وی ابتدا عین متن حدیث را از کتاب منارالسبیل نقل می‌کند سپس در صورتی آن حدیث در صحیح بخاری یا صحیح مسلم نباشد، به بررسی میزان صحت و ضعف سند آن می‌پردازد. البانی، منبع احادیثی را که نتوانسته برای آن‌ها منبعی بیابد، به نقل از دیگر دانشمندان و پژوهش‌گران که نتوانسته‌اند برای آن منبعی پیدا کنند، ذکر کرده است که البته در بیشتر این موارد حکم حدیث را از نظر صحت یا ضعف معین نکرده است (ر.ک. البانی، ۱۴۰۵: ۱۱؛ احمد بکار، بی تا: ۱۹۸)؛

۲- ترتیب این کتاب بر اساس کتاب اصل، یعنی منارالسبیل، است که به ترتیب کتاب‌ها و ابواب فقهی منظم شده است؛

۳- البانی نظر دیگر محدثان را درباره صحت و ضعف حدیث بیان کرده است (احمد بکار، بی تا: ۱۹۸)؛

۴- تا کنون در تکمیل این کتاب، آثار متعددی تالیف شده است از جمله:

- التکمیل لما فات تخریجه من إرواء الغلیل، نوشته صالح بن عبد العزیز بن محمد آل شیخ. وی در این کتاب به تخریح و منبع‌یابی احادیثی پرداخته که البانی نسبت به تخریح آن‌ها غفلت ورزیده و یا بر تخریح و منبع آن‌ها دست نیافته و با عبارتی از قبیل «لم أرف علیه»، «لم أجد» و همانند آن مشخص کرده است. وی، جهت جلوگیری از حجیم شدن کتاب از ذکر اقوال علمای جرح و تعدیل درباره روایان سلسله اسانید خودداری نموده است (آل الشیخ، بی تا: ۲).

- التحجیل فی تخریح ما لم یخرج من الأحادیث والآثار فی إرواء الغلیل، نوشته عبد العزیز بن مرزوق طریفی. وی در این کتاب علاوه بر پرداختن به تخریح آن دسته از احادیث مرفوعی که البانی تخریح آن‌ها را ذکر نکرده، به تخریح احادیث موقوفی که در کتاب منارالسبیل آمده، نیز اقدام ورزیده است. او برای جلوگیری از افزایش حجم کتاب، شیوه اختصار را در پیش گرفته است (الطریفی، ۱۴۲۲: ۲).

- الدلیل فی ترتیب احادیث و آثار إرواء الغلیل، تالیف ابو عبد الله طالب بن محمود، که به ترتیب احادیث إرواء الغلیل بر اساس حروف معجم همت گماشته است (احمد بکار، بی تا: ۱۹۹).

بنا بر این، می‌توان گفت یکی از فواید تخریح، پاسخ‌گویی به شبهات است. چنان‌که البانی انگیزه تالیف این کتاب را پاسخ‌گویی به شبهات قرآنیون می‌داند. نکته مهم این‌که البانی در

پذیرش روایات بخاری و مسلم، مقلدانه عمل کرده است، تا جایی که به خود اجازه بررسی روایات این دو کتاب را هم نداده است.

بررسی کتاب‌های تخریج فقهی نشان می‌دهد بیشتر آن‌ها بر اساس ابواب فقهی مرتب شده‌اند. نکته دیگر این که بیشتر آن‌ها، دیدگاه‌های مختلف فقهی را بیان می‌کنند و به اختلافات آن‌ها اشاره کرده‌اند. مبنای بیشتر آن‌ها در پذیرش روایات، صحیحین است.

۳. کتاب‌های تفسیری

روایات تفسیری، علاوه بر آن که نزد محدثان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مورد توجه مفسران نیز هست. ذکر این روایات در کتاب‌های تفسیری گاهی بدون سند و ارجاعات است. همین عامل باعث شد برخی از عالمان به تخریج احادیث تفسیری پردازند و کتاب‌های متعددی در این زمینه تألیف کنند. دو نمونه از مهم‌ترین آن‌ها معرفی می‌شود:

۳-۱. تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف

تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف، از جمله آثار حافظ جمال الدین ابومحمد عبدالله بن یوسف زلیعی حنفی (ف ۷۶۲ق) است.^{۱۸} وی در این کتاب احادیث کتاب الکشاف عن حقائق التنزیل اثر ابوالقاسم جارالله محمودبن عمر زمخشری خوارزمی (ف ۵۳۸ق) را تخریج نموده است.

۳-۱-۱. ویژگی‌های کتاب

۱- زلیعی کتاب خود را به ترتیب سوره‌های قرآن باب بندی کرده است؛

۲- در هر باب احادیث مربوط به آن سوره را از کتاب کشاف استخراج نموده و به تخریج آن‌ها پرداخته است؛

۳- متن احادیث را - اعم از احادیث مرفوع و موقوف - به طور کامل از کتاب کشاف استخراج کرده است؛

۴- وی در استخراج احادیث اهتمام ویژه‌ای داشته است؛ به گونه‌ای که حتی برخی از احادیثی را که زمخشری در لابه‌لای تفسیر آیات به طور گذرا به آن‌ها اشاره کرده و یا آن‌ها را یک سخن مشهور بر زبان‌ها یا مثل تلقی کرده، شناسایی نموده و سپس به تخریج آن‌ها پرداخته

است. برای نمونه زمخشری در تفسیر آیه ۷۸ سوره اعراف که می‌فرماید: ﴿فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ﴾ می‌نویسد: «جَائِمِينَ هَامِدِينَ لَا يَتَحَرَّكُونَ مَوْتَى. يُقَالُ: النَّاسُ جَثْمٌ، أَيْ قَعُودٌ لَا حَرَكَاتٍ بِهِمْ وَ لَا يَنْبَسُونَ نَبْسَةً. وَ مِنْهُ الْمَجْتَمَةُ الَّتِي جَاءَ النَّهْيُ عَنْهَا» (زمخشری، ۱۲۴/۲). که زیلعی آن قسمت از کلام زمخشری را که در واقع حدیث است یعنی عبارت «وَمِنْهُ الْمَجْتَمَةُ الَّتِي جَاءَ النَّهْيُ عَنْهَا» شناسایی نموده و در تخریج آن می‌نویسد: «قَالَ الْمَصْنُفُ وَمِنْهُ الْمَجْتَمَةُ الَّتِي وَرَدَ النَّهْيُ عَنْهَا ... قَلْتُ رَوَى مِنْ حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمِنْ حَدِيثِ أَبِي الدَّرْدَاءِ...» (الزیلعی، ۱۴۱۴: ۴۶۶/۱). نمونه دیگر این که زمخشری در تفسیر سوره حمد می‌نویسد: «قَوْلُهُمْ: كَمَا تَدِينُ تَدَانٌ» (همان، ۶۰۹/۱) و زیلعی در تخریج آن می‌نویسد: «قَلْتُ أوردته هكذا مثلاً ولم يورده حديثاً وهو حديث مرفوع» (همان، ۲۰/۱)؛

- ۵- اگر راویان یک حدیث، چند تن از صحابه باشند و زمخشری فقط به نام یک تن از آنها اکتفا نموده باشد زیلعی در تخریج آن، حدیث را به نقل از همه آن صحابه تخریج نموده است؛
- ۶- در بسیاری از موارد زمخشری نام صحابی ناقل حدیث را نیاورده که در این گونه موارد زیلعی، صحابی ناقل را شناسایی نموده و نام او را ذکر نموده است؛
- ۷- در مآخذ یابی احادیث نسبت به صحیحین و سنن اربعه توجه خاص داشته است به گونه‌ای که اگر حدیثی در این کتاب‌ها به ویژه در صحیحین آمده باشد، جز در موارد خاص، تنها به آن‌ها اکتفا نموده است؛
- ۸- در تخریج احادیث معمولاً باب مأخذی را که حدیث در آن ذکر شده است، مشخص نموده است؛
- ۹- اسناد احادیث را به طور کامل ذکر کرده است؛
- ۱۰- اگر به مأخذی برای حدیث دست نیافته باشد، از آن با عنوان «غریب جداً»، «غریب» و «غریب بهذا اللفظ» استفاده نموده است (همان، ۳۳۲/۱).

۳- ۲. الفتح السماوی بتخریج أحادیث القاضی البیضاوی

این کتاب نوشته زین الدین، معروف به عبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علی المناوی (ف ۱۰۳۱ق) است که در آن به تخریج احادیث و آثار موجود در کتاب انوار التنزیل و اسرار التأویل بیضاوی پرداخته است. او درباره انگیزه خود از تألیف این کتاب می‌نویسد:

من بر شماری از کتاب‌های تخریب در زمینه احادیث موجود در کتاب الکشاف اطلاع یافتم در صورتی که ندیدم کسی به طور مستقل به تخریب احادیث موجود در تفسیر قاضی بیضاوی پرداخته باشد و در این زمینه کتابی تألیف نماید. این در حالی است که تألیف چنین کتابی یک نیاز بلکه یک ضرورت است. زیرا در این کتاب هر نوع حدیثی اعم از صحیح، ضعیف، موضوع و بی‌اصل و منشأ وجود دارد (که باید از هم تفکیک شوند) از این رو با وجود مشغله و گرفتاری و ... کتابی مستقل در این زمینه تألیف نمودم (المنای، ۸۷/۱).

۳-۲-۱. ویژگی‌های کتاب

- ۱- وی کتابش را بر طبق کتاب بیضاوی مرتب کرده یعنی به ترتیب سوره‌های قرآن کریم؛
 - ۲- در هر باب ابتدا اطراف - و گاهی همه - احادیثی را که بیضاوی در تفسیرش آورده، ذکر می‌کند و در ابتدای هر حدیث معمولاً کلمه «قوله» را قرار می‌دهد؛ سپس به تخریب حدیث می‌پردازد؛
 - ۳- در صورتی که حدیث مرفوع باشد می‌گوید: اخرج (فلان و فلان) من حدیث (فلان) و اگر حدیث موقوف یا مقطوع باشد می‌گوید: اخرج (فلان و فلان) عن حدیث (فلان)؛
 - ۴- بعد از ذکر مأخذ احادیث مرفوع، حکم آن‌ها را از نظر صحت و ضعف نیز بیان می‌کند؛
 - ۵- در بیان مأخذ در صورتی که حدیث در صحیحین یا یکی از آن‌ها آمده باشد - جز در مواردی نادر - به همین دو کتاب بسنده کرده است (همان، ۶۸/۱).
- در بیان نتیجه این بخش باید گفت هدف اصلی از تخریب نویسی روایات تفسیری، مستندسازی کتاب‌های تفسیر بوده است. لذا هر یک از کتاب‌های تخریب برای تکمیل یکی از کتاب‌های تفسیر، تألیف شده است. ترتیب این کتاب‌ها بر اساس سوره‌های قرآن بوده و روایات مربوط به هر آیه را ذیل آن آورده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی کتاب‌های تخریب، نشان می‌دهد ضرورت تألیف چنین کتاب‌هایی از زمانی احساس شد که احادیث، با سند ناقص و یا متن تقطیع شده در آثار فقهی، تفسیری و اخلاقی مولفان آورده شد. به همین دلیل، تاریخ تألیف اولین کتاب تخریب به قرن سوم برمی‌گردد و غالب آثار تخریبی

در قرن سه تا هفت نوشته شده است. نتیجه دیگر این که برخی کتابها فقط تخریح سند نموده‌اند و برخی مانند تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف علاوه بر تخریح سند، به منبع هم توجه داشته و تعدادی دیگر مانند مفتاح کنوز السننة به تخریح متن پرداخته‌اند.

گرچه بیشتر تخریح‌نویسان اهل سنت، به تخریح روایات یک کتاب خاص پرداخته‌اند اما مبنای بیشتر آن‌ها در ارجاع احادیث و برگرداندن آن‌ها به اصل، دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم بوده است و همین امر، باعث تکراری شدن بسیاری از مطالب شده است. از سوی دیگر، بیشتر مولفان، به تخریح احادیث فقهی پرداخته‌اند. برخی مولفان در آثار خود، به تخریح حدیث بسنده نکرده‌اند و در کنار تخریح، مطالب دیگری هم بیان کرده‌اند، به گونه‌ای که گاهی همان مطالب جنبی، فایده‌ای بیش از خود تخریح دارد.

نکته دیگر این که کتاب‌های تخریح حدیث فواید مهمی دارند که شناسایی سندها و نقل‌های مختلف یک روایت، آشنایی با نظرات مختلف عالمان و به دست آوردن ریشه‌های اختلافات، برخی از آن‌هاست.

نکته پایانی این که بسیاری از کتاب‌های جامع اهل سنت، بر اساس نام صحابیان مرتب شده، لذا امکان استفاده از این آثار برای کسی که صحابی راوی حدیث را نشناسد، مشکل است. اما در این میان، مفتاح کنوز السننة بر اساس موضوع مرتب شده که آگاهی از موضوع، برای بهره بردن از آن کافی است. بر خلاف کتاب‌های جامع، غالب کتاب‌های تخریح فقهی بر اساس ابواب فقهی و کتاب‌های تفسیری نیز بر اساس سوره‌های قرآن مرتب شده‌اند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی و تحلیل تفصیلی کتاب‌های تخریح روایات اخلاقی در اهل سنت؛
۲. بررسی تطبیقی کتاب‌های تخریح روایات فقهی و تفسیری در اهل سنت.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این کلان پروژه با عنوان «دانش تخریج در شیعه» ترسیم شده است. تا کنون در این راستا پایان‌نامه‌ای با عنوان «دانش تخریج و نقش آن در اعتبارسنجی احادیث» و دو مقاله با عناوین «شناخت تحلیلی منابع نظری دانش تخریج در اهل سنت» و «کتاب‌شناسی تحلیلی اصول التخریج و دراسة الاسانید» تالیف شده است. پژوهش حاضر در جهت تکمیل معرفی منابع دانش تخریج، «بررسی تحلیلی کتاب‌های تطبیقی تخریج در اهل سنت» عنوان گرفته است.
۲. مقصود، صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه است. باید دقت داشت که مقصود از سنن نسایی در اینجا سنن کبری و صغری است. او ابتدا سنن کبری را تالیف کرد، آن‌گاه سعی کرد روایات صحیح آن را در کتاب دیگری به نام سنن صغری (المجتبی) جمع‌آوری کند. غالب تخریج نویسان، روایت سنن کبری را تخریج کرده‌اند، اما در این بین فقط مزّی از هر دو (سنن کبری و صغری) تخریج کرده است. (ر.ک. احمد بکار، بی‌تا: ۱۰۱)
۳. ملحقات کتب سته که از آن‌ها استفاده شده به این قرار است: مقدمة الجامع الصحیح تالیف ابوالحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، المراسیل تالیف ابی داود سلیمان بن الأشعث السجستانی، عمل یوم و لیلة تالیف احمد بن شعیب نسائی، العلل الصغیر و همچنین شمائل، تالیف محمد بن عیسی ترمذی.
۴. این کتاب برای جبران آنچه از صحیح ابن خزیمه فوت شده آورده شده است.
۵. باید توجه داشت که این، یک قوت محسوب می‌شود زیرا می‌توان روایات هم‌معنا و متفاوت لفظی را یک جا یافت.
۶. اثر معروف دیگر او المعجم المقهرس لالفاظ الحدیث النبوی است.
۷. تخریج متنی، مقابل تخریج سندی است.
۸. فقیهان برای تخریج استعمالات متعددی ارائه کرده‌اند که یکی از آنها تخریج فروع بر اصول است. تخریج فروع بر اصول، یعنی برگرداندن اختلافات فقهی به قواعد اصولی. به واسطه‌ی این تخریج، اسباب اختلاف فقها روشن می‌گردد. (ر.ک. الباء‌حسین، ۱۴۱۴: ۱۰)
۹. تخریج حدیث در اهل سنت به سه روش مختصر، متوسط و مطول مرسوم بوده است.

۱۰. ابن ملقن در مقدمه کتاب البدر المنیر می‌گوید: «کتابم را دقیقاً بر اساس ترتیب بندی کتاب رافعی تنظیم نموده‌ام و هیچ قسمتی از آن را تغییر نداده‌ام. بر این اساس هر بابی را با تمامی احادیث و آثاری که در بر می‌گرفته، ذکر نموده‌ام» (ر.ک. ابن الملّقن، ۱۴۲۵: ۲۸۲).
۱۱. غالب علمای اهل سنت مبحث دراسته الاسانید (حکم بر حدیث) را در زمره تخریج نمی‌دانند و آن را مبحثی جداگانه تلقی کرده‌اند و تخریج را فقط همان برگرداندن حدیث به منبع اصلی معنا کرده‌اند.
۱۲. از آن جا که اساس کار تخریج بر پایه احصای طرق و ذکر منابع حدیث است، هرگونه حذفی در زمینه طرق یا منابع مایه نقصان تخریج کامل خواهد بود. بنا بر این، کار ابن حجر دارای ضعف و نقص است (الطحان، ۱۹۷۹: ۲۶).
۱۳. این کتاب شرح کتاب الوجیز ابی‌حامد محمد بن محمد غزالی (۵۰۵ق) است.
۱۴. ابن ملقن کتاب خود به نام بدر المنیر را در هفت جلد تنظیم کرد، پس از مدتی آن را در چهار جلد خلاصه کرد و نام آن را خلاصه البدر المنیر گذاشت. بار دیگر آن را در یک جلد خلاصه کرد و آن را منتقی خلاصه البدر المنیر نام گذاشت. ابن حجر به این کتاب اشاره کرده و از خلاصه اولی نامی نبرده است که دلیل آن هم معلوم نیست (ر.ک. الطحان، ۱۹۷۹: ۲۹).
۱۵. هرچند کتاب الهدایة زیلعی در فقه حنفی نوشته شده اما به دلیل اینکه مستندات مذاهب دیگر هم در کتاب خود آورده ابن حجر از آن در تخریج احادیث فقه شافعی هم استفاده کرده است.
۱۶. این نظریه، به نظریه تصفیه معروف است که بر اساس آن باید اسلام از وجود خرافاتی که بدان راه یافته پاک گردد. و یکی از راه‌های پاک سازی آن شناسایی و جداسازی احادیث ضعیف و موضوع از منابع روایی است که در سایه تخریج و شناخت منبع و طرق حدیث میسر می‌گردد.
۱۷. قرآنیون به دلیل این که برخی احادیث را با هم متعارض یافته‌اند حکم به عدم حجیت همه آن‌ها کرده‌اند در صورتی که برخی از این احادیث متعارض، از احادیث موضوع هستند که این امر از راه تخریج و تشخیص منبع و طرق آن‌ها مشخص می‌شود.
۱۸. کتاب تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف توسط ابن حجر عسقلانی با عنوان الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشاف خلاصه شده و به عنوان پایان نامه دکتری توسط علی عمر احمد بادحدح در دانشگاه ام القرى مکه از اول سورۀ فاتحه تا پایان سورۀ مائده تصحیح و تحقیق شده است (ر.ک. ابو محمد عبدالمهدی، بی تا: ۲۲۷).

كتابنامه

١. ابن الملقن، سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري. (١٤٢٥).
البدرا المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير، تحقيق: مصطفى أبو الغيط
و عبدالله بن سليمان و ياسر بن كمال، رياض، دارالهجرة؛
٢. ابو محمد عبدالمهدى، بن عبد القادر بن عبد الهادي. (بى تا). طرق تخريج حديث رسول
الله ﷺ، دار الاعتصام؛
٣. أحمد بكار، محمد محمود. (بى تا). علم تخريج الأحاديث أصوله - طرقه - مناهجه، القاهرة،
دارالسلام؛
٤. الالبانى، محمد ناصر الدين. (١٤٠٥). إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، بيروت،
المكتب الإسلامى، دوم؛
٥. آل الشيخ، صالح بن عبد العزيز بن محمد بن إبراهيم (بى تا)، التكميل لما فات تخريجه من
إرواء الغليل، بى جا؛
٦. الباء حَسِين، يعقوب بن عبد الوهاب. (١٤١٤). التخرىج عند الفقهاء و الاصوليين، رياض،
مكتبة الرشد؛
٧. البلوشى، عبد الغفور عبد الحق. (١٤٢٥). علم التخرىج ودوره فى خدمة السنة، المدينة
المنورة: مجمع الملك فهد؛
٨. جان فُنْسِينْك، آرُنْد. (١٤١٤)، مفتاح كنوز السنة، ترجمه، تصحيح و تحقيق: محمد فواد
عبد الباقي، قم، مكتب الاعلام؛
٩. الدمشقى الحنفى، اسماعيل النابلسى. (١٣٥٢). ذخائر الموارىث فى الدلالة على مواضع
الاحاديث، مصر، جمعيه النشر و التاليف الازهرىه؛
١٠. زمخشرى، محمود بن عمر. (بى تا). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل
فى وجوه التاويل، تصحيح: حسين احمد مصطفى، بيروت، دار الكتاب العربى؛
١١. الزيلعى، جمال الدين عبد الله بن يوسف بن محمد. (١٤١٤). تخريج الأحاديث والآثار
الواقعة فى تفسير الكشاف، تحقيق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، رياض، دار ابن خزيمة؛

١٢. _____ . (١٤١٩). نصب الراية لأحاديث الهداية، تحقيق: محمد عوامة، بيروت و جدة، مؤسسة الريان و دارالقبلة للثقافة الإسلامية؛
١٣. زين الدين، عبد الرؤوف بن تاج العارفين بن على المناوى. (١٤٠٩). الفتح السماوى بتخريج أحاديث القاضى البيضاوى، رياض، دارالعاصمه؛
١٤. الطحان، محمود. (١٩٧٩). أصول التخريج و دراسة الأسانيد، بيروت، دارالقرآن الكريم؛
١٥. الطريفي، عبدالعزيز بن مرزوق. (١٤٢٢). التحجيل فى تخريج ما لم يخرج من الأحاديث والآثار فى إرواء الغليل، مكتبه الرشد؛
١٦. العسقلانى (ابن حجر)، أبو الفضل أحمد بن على بن محمد بن أحمد. (بى تا). الدراية فى تخريج أحاديث الهداية، تحقيق: عبدالله هاشم اليمانى المدنى، بيروت، دارالمعرفة؛
١٧. _____ . (١٤١٩). التلخيص الحبير فى تخريج أحاديث الرافعى الكبير، بيروت: دارالكتب العلمية؛
١٨. الغمارى، احمد بن محمد بن الصديق. (١٤١٤). حصول التفريج بأصول التخريج أو كيف تصير محدثاً، رياض، مكتبة طبرية؛
١٩. الكتانى، محمد بن جعفر. (١٤٠٦). الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتب السنة المصنفة، تحقيق: محمد المنتصر محمد الزمزمى الكتانى، بيروت: دار البشائر الإسلامية؛
٢٠. مرعشلى، يوسف. (١٤٢٩). علم تخريج الحديث و بيان كتب السنة المشرفة، بيروت، دارالمعرفة.